

بچه‌های امروز، عاشق تخیل هستند

گفت‌وگوی اختصاصی با ماریا هرنگرن

آرمن نرسسیان - آزاده عصاران

اشاره:

ماریا هرنگرن (Maria Hergren)، نویسنده سوئدی است که هم برای کودکان کتاب می‌نویسد و هم کتاب‌های جنایی و پلیسی منتشر می‌کند. او ابتدا روزنامه‌نگار بود و برای یک ماهنامه سیاسی - اجتماعی کار می‌کرد و ده سال پیش، به نویسندگی رو آورد.

هرنگرن همراه سه زن دیگر، تصمیم گرفتند تحقیقی در زمینه زنان سیاستمدار سوئدی انجام دهند. آن‌ها در این تحقیق، به سراغ کلیه زنان سوئدی رفتند که وارد سیاست شده و بعد از مدتی از عرصه سیاسی فاصله گرفته بودند. ماریا و همکارانش می‌خواستند بدانند که چرا سیاست زنان را از خود می‌رانند؟ نتایج تحقیق آن‌ها، آن قدر تأثیرگذار بود که دولت به ایشان امکانات داد تا در دیگر کشورهای اسکاندیناوی هم این تحقیق را انجام دهند. آن‌ها متوجه شدند که نتایج تحقیق‌شان از حد چند مقاله بسیار فراتر است و باید کتاب شود. از سوی دیگر، بسیاری از سیاستمداران، اطلاعات پشت پرده‌ای ارائه می‌کردند که نباید با اسم‌شان کار می‌شد و بهتر بود به عنوان مسائل اجتماعی یا سیاسی، در حد یک کتاب مطرح شوند.

از آن موقع، گروه اما وال (emma vall) شکل گرفت و این چند زن روزنامه‌نگار، متوجه شدند که می‌توانند در داستان‌های جنایی، بسیاری از مشکلات و گره‌های اجتماعی را به شکل قصه بررسی کنند. در واقع دو نفر از آن‌ها همزمان در زمینه ادبیات کودک و جنایی فعال شدند؛ چرا که مسائل مربوط به کودکان هم در جامعه اهمیت فراوانی داشت.

ماریا تا به حال دو بار به ایران آمده و به اصفهان، یزد و شیراز سفر کرده است. او معتقد است که ایران کشور غربی است با قابلیت‌های فراوان برای داستان‌نویسی. او تا به حال کتاب‌هایی برای کودکان نوشته و در حالی که مادر سه فرزند است، اعتقاد دارد بچه‌ها از داستان‌های کاملاً فانتزی یا برعکس واقعی خوش‌شان می‌آید.

در سفر ده روزه‌اش به تهران، گفت‌وگوی کوتاهی با او داشتیم در مورد ادبیات کودکان در سوئد و نگاهش به ادبیات ایران که می‌خوانید.

- سوئد، کشوری است که سابقه خوب و حتی درخشانی در تولید کتاب‌های ادبی برای کودکان و نوجوانان دارد. آیا هنوز هم نویسندگان کتاب کودکان شما، مثل سابق فراوان و پرکار هستند؟
- بله. در بیست سال گذشته، آن‌ها بسیار فعال شده‌اند. در واقع بعد از جنگ جهانی دوم، نویسندگان کتاب‌های کودکان، نوعی انقلاب در زمینه ادبیات کودک به وجود آورده‌اند. مردم ما هم

عادت کرده‌اند که در کنار کتاب‌های معمول و ژانرهای مختلف، کتاب کودک را هم در فهرست خریدشان قرار دهند. آن زمان در ادبیات سوئدی، به دوران طلایی معروف شد. دو دهه اخیر، نویسندگان بسیار معروفی معرفی شدند و نوع نگارش و دیدگاه نوشتن برای کودکان کاملاً تغییر کرد. در حقیقت، یک دوره طلایی دیگر در ادبیات کودک متولد شد. تولید کتاب‌های همراه با تصویرسازی برای خردسالان هم در این موضوع

عادت کرده‌اند که شب‌ها برای بچه‌های شان کتاب بخوانند. این بخشی از سنت خواباندن کودکان است. در سال‌های اخیر، دیده‌ایم وقتی بچه‌ها به مدرسه می‌روند یا حتی می‌توانند کتاب بخوانند، میل به کتاب خواندن در آن‌ها کم می‌شود. در حقیقت، پسرها به سمت اینترنت و بازی‌های کامپیوتری جذب می‌شوند، اما خوشبختانه دختران هم چنان به کتابخوانی علاقه نشان می‌دهند.

از آن‌جا که بچه‌ها در مدرسه درگیر پروژه‌های مختلف درسی می‌شوند و بعد از مدرسه هم انواع کلاس‌های غیردرسی را می‌گذرانند، کم‌کم از کتابخوانی دور می‌شوند، دولت سوئد به همین دلیل، در حال شکل دادن به تمهیدات و ایده‌هایی است که بچه‌ها را در مدرسه هم با کتاب و ادبیات درگیر کند. مسئولان ما معتقدند که دوری از کتاب برای قشر نوجوان و جوان، یک زنگ خطر بزرگ است. به همین دلیل، انواع مسابقات کتابخوانی را در سطوح مختلف، ترتیب داده‌اند و گروه‌های پژوهش را برای این کار بسیج کرده‌اند تا راهکارهای مختلف را بررسی کنند و جوانان به خصوص پسران را با ادبیات همراه کنند.

● در کشور شما چه کسی یا نهادی در برقراری این پیوند و پیشرفت کتابخوانی، نقش اصلی و کلیدی دارد؟ دولت، "N.G.O"ها یا والدین؟

○ البته والدین تلاش خودشان را می‌کنند، اما "N.G.O"های قوی شکل گرفته‌اند که در این زمینه فعالیت می‌کنند.

دولت هم به شدت از "N.G.O"ها حمایت می‌کند تا به هدف خود برسند. دولت حس کرده که این موضوع بسیار اهمیت دارد که کودکان هنر، ادبیات و فرهنگ کشور خود را بشناسند و درک کنند. در سوئد به مطالعه کودکان، بسیار اهمیت

● در سال‌های اخیر، دیده‌ایم وقتی بچه‌ها به مدرسه می‌روند یا حتی می‌توانند کتاب بخوانند، میل به کتاب خواندن در آن‌ها کم می‌شود. در حقیقت، پسرها به سمت اینترنت و بازی‌های کامپیوتری جذب می‌شوند، اما خوشبختانه دختران هم چنان به کتابخوانی علاقه نشان می‌دهند

بی‌تأثیر نبود.

● شاید نوع کتاب‌ها باعث می‌شود که کودکان به سراغ آن‌ها بروند و در نتیجه کتابخوان شوند. مشکل ایران این است که کتاب‌های زیادی برای کودکان چاپ می‌شود، اما کودکان علاقه چندانی به مطالعه ندارند و تلویزیون یا اینترنت را ترجیح می‌دهند؛ شما هم چنین مشکلی دارید؟

○ بله، مدت‌هاست که ما هم این مشکل را داریم. در کشور ما والدین طبق رسوم قدیمی،

داده می‌شود و به همین دلیل، بسیاری از مسئولان، کار تحقیق و بررسی و پشتیبانی از نتایج تحقیقات تا مرحله عملیاتی شدن را در این زمینه، در اولویت قرار داده‌اند.

● چندی پیش کارگاه آموزشی «گفت‌وگوی بین اروپا و اسلام» در ایران برگزار شد. آیا سوئد هم در این برنامه نقشی به عهده داشت؟
○ بله. تابستان گذشته، سوئدی‌ها هم در این کارگاه حضور داشتند و تصور می‌کنم به نتایج خوبی رسیدند.

● آیا ادبیات کودک ایران در سوئد در دسترس است و شما با آن آشنایی دارید؟
○ متأسفانه خیر! من شخصاً همیشه منتظر بوده‌ام که این اتفاق بیفتد. «خانه ترجمه» در سوئد، جایی است که کتاب‌های مختلف در آن به سوئدی ترجمه می‌شود، ولی فقط یک کتاب ایرانی توسط آن‌ها ترجمه شده. فکر می‌کنم کتاب محمدرضا بایرامی بود که این‌اواخر ترجمه شد.
● فکر می‌کنید مانع یا مشکل اصلی برای انتشار کتاب‌های ایرانی در کشور شما چیست؟
○ فکر می‌کنم زبان مهم‌ترین عامل است. مسئولان مرکز انتشارات کتاب کودک در سوئد، آماده‌اند تا اگر کتابی ترجمه شود، تصمیم بگیرند که آیا برای انتشار خوب است یا خیر. در واقع در درجه اول باید از فارسی به انگلیسی یا سوئدی ترجمه شود تا آن‌ها بتوانند تصمیم بگیرند.
● در سوئد بسیاری از مهاجران ایرانی زندگی می‌کنند که می‌توانند کمک‌تان کنند.

○ من هم تصور می‌کنم که آن‌ها بتوانند به ما کمک کنند تا کتاب‌ها ترجمه شود. شاید نکته این باشد که ما نیاز به تعداد بیش‌تری کتاب داریم. بسیاری از بچه‌های ایرانی در سوئد، نمی‌توانند

فارسی بخوانند و مسلماً برای آن‌ها هم راحت‌تر خواهد بود که با فرهنگ و قصه‌های کشورشان با این روش آشنا شوند. به همین دلیل، ما یک "N.G.O" تشکیل داده‌ایم که کتاب‌های برگزیده کشورهای مختلف را انتخاب و آن‌ها را از انگلیسی به سوئدی ترجمه کند. سپس به ناشران پیشنهاد می‌دهد که کدام کتاب برای چاپ بهتر است. با این روش، نیمی از راه را می‌رویم و تصمیم‌گیری را ساده‌تر می‌کنیم.

● تصور می‌کنم کتاب‌های شما بیش‌تر سنتی و تا حدی مذهبی است. شاید دلیلش حضور پررنگ دولت در چاپ و انتشار کتاب باشد و شاید آن‌ها تعیین‌کننده نهایی باشند. با این حال، کتاب‌های هنری و کاملاً مدرن هم تولید می‌شود که البته مخاطب خاص دارد

● در حال حاضر، آیا کتاب خاصی را از ایران برای ترجمه به سوئدی انتخاب کرده‌اید؟
○ چند کتاب انتخاب کرده‌ایم. تعدادی ایمیل و متن به ما رسیده که در حال بررسی آن‌ها هستیم.
● آیا موانع فرهنگی هم در مقابل ترجمه آثار ایرانی وجود دارد؟

○ فکر می‌کنم بچه‌های امروز، به دنبال زندگی مدرن و امروزی هستند. آن‌ها عاشق فانتزی و تخیلات قرن ۲۱ هستند. بنابراین، نوع کتاب هم اهمیت دارد. دلیل موفقیت هری پاتر در تمام دنیا

هم همین است.

● مدتی که ایران بودید، چه برداشتی از ادبیات ما داشتید؟

○ تصور می‌کنم کتاب‌های شما بیش‌تر سنتی و تا حدی مذهبی است. شاید دلیلش حضور پررنگ دولت در چاپ و انتشار کتاب باشد و شاید آن‌ها تعیین‌کننده نهایی باشند. با این حال، کتاب‌های هنری و کاملاً مدرن هم تولید می‌شود که البته مخاطب خاص دارد. کتاب‌های کودکان هم به همین شکل دو دسته‌اند؛ یا کاملاً جدی به مسائل اخلاقی یا دیدگاه سنتی نگاه می‌کنند و یا تخیلی‌اند. به نظر من کتاب کودکان باید یک ویژگی مشترک داشته باشد؛ این‌که چقدر شبیه زندگی واقعی از دید یک کودک است. این موضوع با توجه به فرهنگ‌های مختلف کشورها، باید رعایت شود. کودک در همه جای دنیا به این موضوع توجه می‌کند. نویسنده نمی‌تواند با دیدگاه کاملاً سنتی، کتاب مدرن کودکان بنویسد. کودکان، هری‌پاتر را کاملاً باور دارند و دلیلش این است که دنیای کودکان واقعی، همین است. در حال حاضر، نوجوانان فانتزی و واقعیت را در حدی می‌پذیرند که بتوانند آن را با دنیای درونی‌شان هماهنگ کنند. در بعضی از کتاب‌های کودکان، آن‌قدر این مرز رعایت می‌شود که حتی مخاطب‌شان بزرگسالان هم می‌شوند. من فکر می‌کنم کتاب خوب، کتاب خوب است و هر کس در هر سنی می‌تواند آن را بخواند و لذت ببرد. وقتی بزرگسالان، کتاب‌های کودکان را می‌خوانند، می‌توانند کودک درون‌شان را مدام تقویت و زنده کنند و از فانتزی مثل کودکان لذت ببرند.

● در ادبیات کودکان، معمولاً پیام صلح، آرامش و عشق لابه‌لای داستان به کودک رسانده می‌شود. بیان این مسائل چقدر اهمیت دارد؟

○ بهترین راه برای بیان محورهای اصلی زندگی به کودک، همین است. بدون شک، نشان دادن صلح و برتری عشق بر نفرت، از راه داستان بر کودک تأثیرگذار خواهد بود تا این‌که سعی کنیم مدام به بچه‌های مان به شکل مستقیم درس بدهیم که باید چطور زندگی کنند و بدانند که صلح چقدر خوب است! دیدن فیلم، تأثیر یا حتی خواندن داستان تأثیر عمیق‌تری روی روحیه آدم‌ها می‌گذارد تا نصیحت مستقیم از طرف والدین یا معلمان. این اثرپذیری، در زمان کودکی بسیار قوی‌تر است.

● اما گاهی در کتاب‌ها، مواردی مثل اعتیاد وجود دارد که در دنیای واقعی بچه‌ها به چشم نمی‌آید و با شرایط زندگی آن‌ها متفاوت است. برخی معتقدند که این مسائل به بچه‌ها لطمه می‌زند.

○ فکر می‌کنم فیلم یا کتاب بد، به هر حال در دسترس بچه‌ها قرار دارد. اگر بچه‌ها با موارد منفی جامعه اصلاً آشنا نشوند، در دنیای واقعی مشکل خواهند داشت. اگر بچه‌ها را کاملاً از دنیای واقعی دور نگه داریم و برای آن‌ها موانع ایجاد کنیم، مطمئناً از راه‌های دیگری تلاش می‌کنند که حقایق را کشف کنند.

من همه نوع کتاب را به بچه‌ها پیشنهاد می‌کنم. در واقع فکر می‌کنم بچه‌ها باید کتاب در همه ژانرها بخوانند و خودشان انتخاب کنند که چه سبک یا چه نوع کتاب را دوست دارند.